

جراحت التیام‌ناپذیر!



فصل روشنی
حجت‌الاسلام والمسلمین حسین ابراهیمی

یکی از موضوعاتی که در معارف دینی ما فراوان درباره آن گفته شده است، گناهانی است که انسان باید از آن‌ها دوری کند و گاهی این گناهان به عضوی از اعضای بدن نسبت داده می‌شود. در میان اعضایی از بدن که گناهانی به آن‌ها نسبت داده شده، بر زبان و گناهان زبانی بسیار تأکید شده است و احادیث بی‌شماری در این باب وجود دارد. برپایه روایات، بیشتر اهل جهنم کسانی هستند که با زیانشان و گناهانی که با آن کرده‌اند، در آنجا اسیر شده‌اند. در جمله معروفی آمده است که «زبان، جرم و وزن کم و اندازه کوچکی دارد، اما جرم آن زیاد است». مردی خدمت پیامبر (ص) آمد و گفت: یا رسول‌ا!...! مرا سفارشی کن. آن حضرت فرمودند: زبانت را نگه‌دار. (برای دومین بار) گفت: یا رسول‌ا!...! مرا سفارشی کن. پیامبر فرمودند: زبانت را نگه‌دار. (برای بار سوم) گفت: یا رسول‌ا!...! مرا سفارشی کن. پیامبر با زهم فرمودند: زبانت را نگه‌دار. وای بروتو! آیا مردم را جز محصول و نتایج زبان‌های پرند و نیست‌کننده‌شان، چیز دیگری هست که آن‌ها را در آتش جهنم اندازد؟

یکی از گناهان بزرگی که متعلق به زبان است، نیش زدن به دیگران و داشتن زبان آزادرنده و تلخ است. در کتاب کنزالعمال آمده است: «رسول خدا(ص) فرمودند: الْمُسْلِمُ مَنْ سَلِمَ الْمُسْلِمُونَ مِنْ لِسَانِهِ وَیَدِهِ، مسلمان، شخصی است که مسلمانان از زبان و دست او آسوده باشند». طبق این روایت معروف که با ادبیات مختلفی وارد شده است، در مسلمان بودن فردی که اهل نیش و زبان زدن به دیگران است و به این عمل زشت عادت دارد، شک و شبهه است، بلکه طبق این روایت شریف، پیامبر خدا(ص) او را در زمره مسلمانان نمی‌دانند. این گناه تاحدی برای انسان خانمان سوز و خطرناک است که امیرالمؤمنین(ع) از آن به خداوند پناه می‌برد و می‌فرماید: «اللَّهُمَّ اغْزِلْ لِي وَحَزَاتِ الْأَلْحَاظِ، وَتَسْقَطَاتِ الْأَفْظَاظِ، وَشَهَوَاتِ الْجَنَانِ، وَهَفَوَاتِ الْإِنْسَانِ، ای خدا! بیامرز مرا برای هر اشاره گناه‌آمیزی که با گوشه چشم کردم و هر سخن نابجایی که از دهانم، بیرون جسته است و نیز خواهش‌های دل و لغزش‌های زبانم را».

نکته مهم دیگر این است که اثر زخم زبان، گاهی سال‌ها و حتی یک عمر در وجود یک شخص باقی می‌ماند، درحالی‌که زخم شمشیرها و رد تیزی خنجرها، زودتر از این‌ها بهبود می‌یابد. در روایات ما نیز همین مضمون وارد شده است که نبی اکرم (ص) می‌فرماید: «فُتِنَتْهُ اللَّيْسَانُ أَشَدَّ مِنْ ضَرْبِ السَّيْفِ، فتنه زبان، سخت‌تر از ضرب شمشیر است».

در روایت دیگری وارد شده است که: «رَّغْلَ اللَّيْسَانِ أَشَدُّ مِنْ جِرْحِ اللَّيْسَانِ، لغزش زبان، بدتر از زخم سرنیزه است».

جا دارد انسان از این گناه به خداوند پناه ببرد، گناهی که در روایات ما موجب حبط اعمال و از بین رفتن اعمال خوب انسان و موجب عاقبت به‌شری و مرگ بد می‌شود. از امام باقر(ع) نقل شده است که: «هیچ انسانی جلوی مؤمنی به او طعنه نمی‌زند، جز اینکه به بدترین مرگ می‌میرد». مرحوم علامه مجلسی(رح) در تفسیر این روایت می‌نویسد: «منظور از «بدترین مرگ» یا به اعتبار دنیاست، همانند غرق شدن، سوختن، خورده شدن به وسیله حیوانات درنده، یا به اعتبار آخرت است. به‌طور کلی یکی از دستورات قرآن به ما خوب صحبت کردن با دیگران است که فرمودند: قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا، با مردم به زبان خوش، سخن بگویید».

در روایات اهل بیت (ع) آمده است که هرطور دوست دارید دیگران با شما صحبت کنند، شما هم با آن‌ها صحبت کنید. اصلاً آزادادن دیگران، یکی از صفات بدی است که یک انسان می‌تواند داشته باشد و قبل از دین و ایمان، انسانیت اقتضا می‌کند که آدم از این کار زشت، بی‌زاری بجوید.

گل‌های دعا



پله‌های دانشکده مهندسی را دوتا یکی کرد. وسایل دستش سنگین بود. با خودش گفت این همه مهندس، چرا این دانشگاه آسانسور ندارد؟ از فکر خودش خنده‌اش گرفت؛ اینجا که پیچه‌های معماری درس نمی‌خوانند با کلاس رسید. از بس عجله داشت، مانتویش به صندلی گیر کرد و پاره شد. بدشانشی بدتر از این نمی‌شد. نشست روی صندلی، وسایلش را جمع و جور کرد و مانتویش را با خجالت روی پایش کشید. چرا همیشه این قدر بدبپاری می‌آورد؟ کلاس که تمام شد، به نمازخانه دانشکده رفت. هم‌کلاسی‌هایش می‌خواستند کمکش کنند اما کسی، ایده‌ای برای مانتوی پاره‌شده‌اش نداشت. ساعت بعدی، ارائه داشت. دوستش پیشنهاد داد مانتوهایشان را با هم عوض کنند اما سمیرا قبول نکرد. دوستش هم مثل خودش حتماً از آن مانتوی پاره معذب می‌شد. فاطمه یکی از هم‌کلاسی‌هایش بود که چندان برخوردی با او نداشت و همیشه ساکت و کم‌حرف بود. از میان دخترها که هر کدام ایده‌ای می‌دادند برای مانتویش، جلو آمد و مانتوی سفید رنگش را به او داد؛ «بگیر خانم سمیرا! من چادرم جلو بسته است. می‌توانم مانتوی تو را تنم کنم». اولش خجالت کشید که قبول کند اما بقیه پیچه‌ها هم حرف فاطمه را تأیید کردند. مانتوهایشان را با هم عوض کردند. بعد از ارائه، فاطمه را پیدا نکرد. فاطمه برایش پیامک زده بود: «امروز باید زودتر به خانه می‌رفتم، ببخشید نماندم که مانتوهایمان را عوض کنیم». پیامک را با تشکر و بوس و قلب جواب داد.

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْهُدَى وَالتُّقَى، وَالْعَفَافَ وَالْغِنَى، وَالْعَمَلَ بِمَا تُحِبُّ وَتَرْضَى. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ قُوَّةٍ لِيُغْفِرَ، وَمِنْ غِنَاكَ لِيُقَرَّنَا بِفَاقِتِنَا، وَمِنْ جَلَمِكَ وَعِلْمِكَ لِيُجَهِّلَنَا. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَعَاطَا عَلَى شُكْرِكَ وَذِكْرِكَ، وَطَاعَتِكَ وَعِبَادَتِكَ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، خداوند! من خواهان هدایت و تقوا و عفاف و بی‌نیازی و عمل به آنچه تو دوست داری و راضی هستی، هستم. خداوند! از توانت، برای نتوانی‌مان درخواست می‌کنم و از بی‌نیازی‌ات برای بینوایی و نیازمان و از برابری و دانش تو، برای نادانی‌مان. خداوند! بر محمد و آل محمد درود فرست و ما را برای سپاسگزاری از تو و یاد تو و طاعت و عبادت یاری کن؛ به حق رحمت خودت، ای رحم‌کننده‌ترین رحم‌کنندگان!». دعای روز پنجشنبه از حضرت زهرا(ص) را با خودش زمزمه و روی مانتوی پاره‌شده، نخ‌ها را امتحان می‌کرد. مانتوی سمیرا را شسته و اتو کرده بود. داشت قسمت پاره‌شده را برایش گلدوزی می‌کرد. نمی‌دانست سمیرا خوشش می‌آید یا نه، ولی فاطمه با خودش گفت مثل دعا می‌امروز من فقط می‌خواهم به آنچه فکر می‌کنم خداوند دوست دارد، پایبند باشم. بقیه‌اش با خود خدا و حضرت فاطمه(ص) را شاء... که سمیرا خوشش می‌آید و مانتویش را دوباره با خوشحالی می‌پوشد.

سمیرا که بسته را باز کرد، با شادایی همیشگی‌اش جیغ زد و فاطمه را بغل کرد. مانتویش از قبل هم زیباتر شده بود. فاطمه در گوشش گفت: «با زمزمه دعای روز پنجشنبه حضرت زهرا(ص)، برایت گلدوزی کردم. ان شاء...». وقتی این مانتو تنت است، در پناه حضرت فاطمه(ص) باشی و بهترین اتفاق‌ها برایت رخ بدهد».

شماره

شماره ۱۳۲۲
۱۵ شهریور ۱۳۹۵
۴شنبه

۱۴



مشارکت

در گفت‌وگوی شهرآرا با کارشناس مذهبی مطرح شد

مشورت؛ نسخه درمان ای‌کاش‌ها

آمنه مستقیم‌ا| بسیاری پیش آمده است که ما بعد از انجام کاری یا گرفتن تصمیمی، به مرحله «ای‌کاش‌ها» رسیده‌ایم که کاش چنین نمی‌کردیم و کاش چنان می‌کردیم تا نتیجه تصمیم و اقداممان، چیز دیگری می‌شد. آموزه‌های دینی برای جلوگیری از این ابتلا و درمان ماندن از کاش‌هایی که فایده‌ای ندارد، مسیر مشورت را پیش پای ما گذاشته‌اند تا با دانستن دیدگاه‌های مختلف و استفاده از تجربه‌های دیگران، ضریب خطاها و اشتباهاتمان را به کمترین حد برسانیم و بهترین بهره را از موقعیت‌ها ببریم. در این باره با حجت‌الاسلام والمسلمین محمدصادق کفیل، مدیر مرکز تخصصی صحیفه سجادیه و کارشناس مذهبی، گفت‌وگو کرده‌ایم.

مشورت؛ صفت مؤمنان

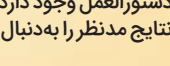
فرا تر از تأثیری که مشورت می‌تواند بر زندگی ما بگذارد و در انتخاب راه درست کمکمان کند، به تصریح قرآن، مشورت از صفات مؤمنان است، «الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْزَجُهُمْ شَوْرَىٰ بَيْنَهُمْ وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ» (شوری، ۳۸). خداوند در این آیه، چهار ویژگی برای مؤمنان برمی‌شمارد که عبارتند از: لبیک به پروردگار، برپایی نماز، مشورت در کارها و انفاق دارایی‌ها. این نشان می‌دهد که انسان مؤمن، اهل مشورت است و در امور به عقل فردی تکیه نمی‌کند و سعی می‌کند از نظر دیگران هم بهترین بهره را ببرد.

شراکت در عقل دیگران

حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) می‌فرماید: «مشورت، عین هدایت است». در توضیح این حدیث علوی، باید گفت مشورت راه رسیدن به مقصد را نشان ما می‌دهد. همچنین ایشان فرموده‌اند: «هرکه به رأی خود قناعت کند، خویش را به خطر انداخته است». ایشان در جای دیگری می‌فرمایند: «آن که با دیگران مشورت کند، در عقل و خرد آن‌ها شریک می‌شود. هر عاقلی لازم است رأی عاقلان دیگر را به رأی خود اضافه کند و علوم دانشمندان را بر علم خویش بیفزاید».

مشورت و تحکیم خانواده

یکی از راه‌هایی که به خانواده ثبات و پایداری می‌بخشد، اصل مشورت به‌ویژه با فرزندان است. نبی خاتم (ص) تأکید کرده‌اند: «نوجوان را مشاور خانواده قرار دهید». باید توجه کرد نوجوانی، فصلی از زندگی است که با خطرهایی همچون بحران هویت می‌بخشد و از بحران‌های او می‌کاهد. لذا آموزه‌های دینی این سن را فصل وزارت فرزند معرفی کرده‌اند؛ چون وقتی نوجوان را طرف مشورت قرار دهیم، به او شخصیت و شأن می‌دهیم و همین کار، او را به ارتباط با پدر و مادر، دلگرم و جذب فضای خانه می‌کند. یکی دیگر از اصول مؤکد در خانواده، همدلی و حاکمیت آن بر روابط خانوادگی است که مشورت به‌شدت بر آن تأثیر می‌گذارد. اگر در فضای خانواده به جای تذکر و ایراد گرفتن و سرکوفت زدن، از در مشورت وارد شویم و از آن‌ها نظرخواهی کنیم، همدلی میان اعضا ایجاد و تقویت می‌شود. درمقابل، فردی که استبدادرای دارد و اهل مشورت نیست، بذر نفاق و کینه را می‌کارد. شاید به همین دلیل در روایات آمده است: «هرکه اهل مشورت نیست، مقدمه هلاکت خود را فراهم می‌کند». اگر در نظام تعلیم و تربیت، نظام خانواده و نظام اداری و کاری ما، فضای مشورت و همدلی ناشی از آن حاکم شود، دل‌ها و تمایلات دیگران جلب و همراه می‌شود و آن‌گاه از درون نظرهای مختلف، بهترین راه‌ها برای رسیدن به اهداف و رفع مشکلات بیرون می‌آید. لذا تنها در روابط میان فردی، خانوادگی و کاری بلکه در فضای حاکمیتی هم باید مشورت حاکم باشد و از استبداد، تکبر و خودرأیی پرهیز شود.



حجت‌الاسلام والمسلمین کفیل:

در آموزه‌های دینی به مشورت، توصیه و اهمیت آن بیان شده است. درباره اینکه چه افرادی را طرف مشورت قرار دهیم، نیز دستورالعمل وجود دارد که نشان می‌دهد مشورت با هر شخصی نتایج مدنظر را به دنبال ندارد و برای انسان فرصت‌ساز نمی‌شود

با چه فردی مشورت کنیم؟

امام صادق (ع) درباره شرایط و ویژگی‌های مشاوران فرموده‌اند: «در کارهای خود با فردی مشورت کن که در او این ویژگی‌ها باشد: از عقل و اندیشه پاک و روشنی برخوردار باشد؛ یعنی کسی باشد که صلاح و فساد امور را می‌فهمد. دارای علم و دانش باشد، تجربه داشته باشد، در او روحیه خیرخواهی باشد؛ یعنی با خلوص نیت و صفای باطن، درباره مسائل جامعه نظر دهد و نهایتاً آنکه باتقوا باشد؛ یعنی از محرمات و تمایلات نفسانی خودداری کند، صاحب تقوا و خوشتن‌دار باشد».

حقوق مقابل مشاور و مشورت‌گیرنده

امام سجاد(ع) در «رساله حقوق» می‌فرماید: «حق فردی که از تو مشورت می‌خواهد، این است که اگر عقیده و نظر مناسبی داری، در اختیار او بگذاری و اگر درباره آن کار، چیزی نمی‌دانی، او را به سمت فردی راهنمایی کنی که می‌داند و اما فردی که مشاور توست، این حق را برگردنت دارد که در آنچه با تو موافق نیست، او را متهم نسازی».

عمل به همین حق، جلوی بسیاری از اشتباهات را می‌گیرد؛ چون بسیاری افراددی که بدون علم، نظر می‌دهند و راهنمایی می‌کنند و مخاطب خود را به بیراهه می‌برند و نیز بسیاری از افرادی که مشورت را فقط در موافقت با فکر و ایده خودشان می‌پذیرند و کمترین میزان مخالفت را تحمل نمی‌کنند.

مشورت با زیردستان

جالب آنکه آمنه(ع) در طرف مشورت قرار دادن، بین افراد از طبقات مختلف اجتماعی و اقتصادی، تفاوتی قائل نمی‌شوند و در نظرخواهی، اقشار گوناگون را مخاطب قرار می‌دهند؛ چنان‌که امام رضا(ع) در جمعی فرمودند: «بدرم امام‌کاظم(ع) با برخی غلامان مشورت می‌کرد و وقتی از دلیل این کار از خدا بخواهد، چه بسا راه‌حل مشکل را بر زبان او جاری سازد». پیامبر اکرم (ص) مشورت را نشانه «دوراندیشی» و «امیرالمؤمنین(ع) آن را «مهم‌ترین پشتیبان» معرفی کرده‌اند. همچنین امام علی(ع) می‌فرمایند: «پیامبر (ص) هنگام اعزام من به یمن، فرمودند مشورت کن؛ هرکه مشورت کند، پشیمان نمی‌شود». این‌ها هریک پرده‌هایی از اهمیت اصل مشورت را کنار می‌زند و ما را متوجه نقش این اصل در زندگی مان می‌کند.

فایده مشورت

رشد و پیشرفت از آثار مشورت گرفتن است؛ چون باعث می‌شود راه‌های تجربه‌شده و رفته دیگران را بدون آزمون و خطا درپیش بگیریم. از امام حسن مجتبی(ع) نقل شده است: «هر گروهی که مشورت کند، به راه رشد و هدایت، رهنمون شده است». کاهش ریسک و افزایش قدرت تصمیم‌گیری در موقعیت‌های مختلف، فایده دیگری است که با مشورت به‌دست می‌آید؛ چون برخورداری از نظرها و دیدگاه‌های گوناگون، این فرصت را به انسان می‌دهد که راه‌های مختلف را بشناسد و پس از بررسی، بهترین را انتخاب کند. راهی از استبدادرای، دیگر فایده مشورت است. این موضوع به‌ویژه در مسائل حاکمیتی، اهمیت بیشتری می‌یابد. حال این پرسش پیش می‌آید که وقتی امام معصوم(ع) با خادمان خود مشورت می‌کند، چرا مدیران و مسئولان ما مدارات را با کارمندان و زیردستانشان مشورت نکنند تا هم خودرأیی و استبداد بر فضا حاکم نشود و هم آرا و افکار متنوع و متکثر برای پیشبرد کارها، جمعیت و استفاده شود. جلوگیری از پشیمانی، دیگر اثر مثبت مشورت است؛ چون باعث می‌شود بهترین راه، طی و از انتخاب اشتباه جلوگیری شود.

نتیجه بحث

مشورت در آموزه‌های قرآنی روایی ما، جایگاه والایی دارد و در مواضع مختلف، به انجام آن سفارش شده است. اهمیت این موضوع به قدری است که خداوند حتی پیامبر(ص) را به آن سفارش کرده است: «وَأَوْزَعْنَاهُ مِنَ الْآثَمِ، یعنی با آن‌ها مشورت کن.» (آل عمران، ۱۵۹). آمنه(ع) نیز بسیار بر مشورت تأکید کرده‌اند و سیره و سبک زندگی‌شان به خوبی عمل به این اصل را نشان می‌دهد. آموزه‌های آن‌ها به ما یاد می‌دهد با چه فردی و چگونه مشورت کنیم و سراغ چه افرادی برای مشورت نرویم. نتیجه آنکه افراد اهل مشورت و صلاح‌اندیشی، کمتر گرفتار لغزش می‌شوند و درمقابل، افراد مبتلا به استبدادرای حتی اگر در درایت و فکر غنی باشند، اغلب گرفتار اشتباه جبران‌ناپذیر می‌شوند. علاوه بر این، خودرأیی به‌ویژه در فضای اجتماعی، شخصیت مردم را ضعیف و استعدادها را دچار رکود می‌کند و این چنین، سرمایه‌های انسانی از دست می‌رود. سرانجام آنکه مشورت به ما کمک می‌کند دوست و دشمن خود و افراد خیرخواه را بشناسیم و این چنین، کمتر با اعتماد به آدم‌های اشتباه، آسیب ببینیم و دچار خطا شویم.

با چه افرادی مشورت نکنیم؟

همان قدر که در آموزه‌های دینی به مشورت، توصیه و اهمیت آن بیان شده است، درباره اینکه چه افرادی را طرف مشورت قرار دهیم، نیز دستورالعمل وجود دارد که نشان می‌دهد مشورت با هر شخصی نتایج مدنظر را به دنبال ندارد و برای انسان فرصت‌ساز نمی‌شود. امام‌کاظم(ع) می‌فرماید: «با فرد مستبد، مشورت نکنید». علاوه بر این، مولای متقیان(ع) درباره مشورت می‌فرماید: «با افراد بخیل مشورت نکن؛ زیرا تو را از بخشش و کمک به دیگران، باز می‌دارند و از فقر می‌ترسانند و نیز با افراد ترسو مشورت نکن؛ زیرا آن‌ها تو را از انجام کارهای مهم باز می‌دارند و همچنین با افراد حریص مشورت نکن که آن‌ها برای جمع‌آوری ثروت یا کسب مقام، ستمگری را در نظر تو عادی می‌سازند. همچنین است در مورد رافقت در موافقت با فکر و ایده خودشان را دور جلوه می‌دهد(سراب در مقابل انسان ترسیم می‌کند)».